

[View the original article](#)

پاراگراف اول

پاراگراف اول؛ مدال‌های زنان، دستاورد ورزشی یا برگ تبلیغاتی؟

محمد ضرغامی

۲۷/مهر/۱۴۰۵



کاروان ورزشی ایران در رقابت‌های آسیایی ناگویا ۲۰۲۶

مدال‌ها بازتاب نتایج ورزشی‌اند، اما برای زنان ورزشکار ایرانی، ماجرا فراتر از سکوست. تعداد ورزشکاران اعزامی، رشته‌های در دسترس و کیفیت نتایج، هم از فرصت‌های پیش‌رو می‌گویند و هم از محدودیت‌های پابرجا. در بازی‌های آسیایی ناگویای ژاپن، موفقیت زنان ایرانی را باید در کنار شرایطی دید که در آن رقابت می‌کنند؛ از حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی تا بازتاب رسانه‌ای و بهره‌برداری سیاسی از دستاوردهایشان.

در برنامهٔ رادیویی «پاراگراف اول» نشرین افشار تهیه‌کنندهٔ پادپخش «گردآفرید» در راديو فردا، و مرضیه نصیری و محمد حیرانی، خبرنگاران ورزشی از آلمان، به موفقیت زنان ورزشکار ایرانی در رقابت‌های اخیر پرداخته‌اند.



↓ [لینک مستقیم](#) ✓

↗ [بازکردن در پنجره جدید](#)

«نگذاریم به نقطهٔ صفر برگردیم»

نسرین افشار می‌گوید ایران با ۳۰۵ ورزشکار، شامل ۲۱۰ مرد و ۹۵ زن، در بازی‌های آسیایی ناگویا ۲۰۲۶ شرکت کرد. زنان با کسب ۱۴ مدال از مجموع ۵۲ مدال ایران، سهمی قابل‌توجه داشتند؛ اما خانم افشار تأکید می‌کند این آمار غیبت زنان در رشته‌های متعدد را پنهان می‌کند.

ایران در شنا، شیرجه، شنای موزون، واترپلو، کشتی زنان و ژیمناستیک ریتمیک نماینده نداشت. در دوچرخه‌سواری فقط ماندانا دهقان در جاده شرکت کرد؛ زنان در رشته‌های پیست، کوهستان و بی‌ام‌ایکس و نیز در فوتبال، والیبال، هندبال و چند رشته دیگر غایب بودند. در شمشیربازی نیز فقط اسلحه سابر نماینده داشت.

برای نسرین افشار، این غیبت‌ها با تجربه‌ای شخصی پیوند دارد. او حدود ۱۲-۱۳ سال پیش دخترانی را در کردستان و ایلام دیده بود که مخفیانه کشتی تمرین می‌کردند. برادران و یا پدر برخی از آن‌ها که کشتی‌گیر بودند وظیفه مربی‌گری و هدایت آن‌ها را برعهده داشتند. تعدادی از این دختران کشتی‌گیران مستعدی بودند.

نسرین افشار تصور می‌کرد این دختران ظرف پنج یا شش سال ممکن است به ورزشکارانی مدال‌آور تبدیل شوند، اما محدودیت پوشش اسلامی مورد نظر حکومت در این رشته سد راه آن‌ها شد. او دختران سیستان و بلوچستان را نیز در کریکت مستعد می‌داند، اما می‌گوید آن‌ها فرصت حضور در رقابت‌ها را نیافته‌اند.

او تأکید می‌کند که غیبت زنان همیشه ناشی از ممنوعیت رسمی نیست؛ کمبود بودجه و تصمیم فدراسیون‌ها نیز مؤثرند. ممکن است فدراسیونی که فقط امکان اعزام یک ورزشکار دارد، سهمیه را به مردان اختصاص دهد. او احتمال می‌دهد غیبت تیم فوتبال زنان با اتفاقات استرالیا مرتبط بوده باشد؛ شش عضو تیم اعلام کردند قصد پناهندگی دارند، اما سرانجام فقط دو نفر در استرالیا ماندند.

با وجود این موانع، نسرین افشار نمی‌خواهد زنان به نقطه صفر بازگردند. او حضور یک دختر ژیمناست پس از ۴۵ سال وقفه را گامی برای نسل‌های بعدی می‌داند. در عین حال، رشد ورزش زنان را عمده‌تاً حاصل تلاش خود ورزشکاران می‌خواند و می‌پرسد: «آیا زنان ورزشکار به اندازه مردان دستمزد می‌گیرند؟ خیر. آیا از فرصت‌های تبلیغاتی مشابه برخوردارند؟ خیر. آیا مسابقاتشان از تلویزیون پخش می‌شود؟ خیر».

او حذف فاطمه محیطی‌زاده از هفت‌گانه را نیز مثال می‌زند؛ خانم محیطی‌زاده پس از شش ماده در جایگاه دوم بود، اما به دلیل مغایرت کفش مورد استفاده در پرش با مقررات بازی‌ها حذف شد. نسرین افشار می‌پرسد چرا این مسئله پیش از مسابقه بررسی نشده بود.

افزایش حضور زنان، بدون تغییر ساختاری

مرضیه نصیری، روزنامه‌نگاری که ۱۸ سال در ایران خبرنگار ورزشی و ۱۰ سال در فدراسیون فوتبال کار کرده، از تجربه‌ای متفاوت به مسئله نگاه می‌کند. او زمانی خودش فوتبال بازی می‌کرد و به پیگیری تدریجی حقوق زنان باور داشت؛ اما بعدتر به این نتیجه رسید که جمهوری اسلامی را نمی‌توان صرفاً حکومتی دانست که با چانه‌زنی از آن امتیاز گرفت. به باور او، حکومت تمامیت‌خواه از دستاوردهای مقطعی زنان برای تبلیغات استفاده می‌کند. از همین رو، برخلاف نسرين افشار که حفظ پیشرفت‌های تدریجی را ضروری می‌داند، مرضیه نصیری می‌گوید افزایش شمار زنان در ناگویا «برایش خبر خوشحال‌کننده‌ای نبود».

خانم نصیری از مسابقات آسیایی فوتبال زنان در بنگلادش خاطره‌ای دارد؛ تیم ایران قهرمان شد، اما وقتی روسری یکی از بازیکنان افتاد، پزشک تیم به جای تمرکز بر سلامت بازیکنان، دستپاچه دنبال روسری می‌گشت.

این صحنه برای مرضیه نصیری نشان می‌داد که کنترل پوشش بر مسئولیت حرفه‌ای مقدم شده است.

او معتقد است حکومت می‌تواند محدودیتی را موقتاً بردارد و سپس دوباره برقرار کند؛ بنابراین افزایش حضور زنان الزاماً به معنای تغییر ساختاری نیست. باین‌حال، خانم نصیری نیز با اجبار ورزشکاران به کناره‌گیری موافق نیست، مگر آن‌که مشارکت‌شان به تبلیغ حکومت تبدیل شود. او روشن‌گری درباره بهره‌برداری سیاسی از دستاوردها را ترجیح می‌دهد.

مرز میان حضور ورزشی و تبلیغات حکومتی

محمد حیرانی، مدیر پیشین روابط عمومی و امور بین‌الملل باشگاه استقلال تهران، ضمن پذیرش بهره‌برداری تبلیغاتی حکومت، بر حق ورزشکاران برای بهره‌مندی از سال‌ها تمرین تأکید می‌کند. او می‌گوید انقلاب، جنگ و شرایط سیاسی دهه ۱۳۶۰ استعدادهای بسیاری، به‌ویژه زنان، را از بین بردند.

آقای حیرانی از میترا حجازی‌پور، الناز رکابی و کیمیا علیزاده به‌عنوان نمونه‌هایی یاد می‌کند که نام ورزشکاران می‌تواند فراتر از میدان مسابقه و در تقابل با حکومت نیز مطرح شود. از نگاه او، چنین ورزشکارانی ممکن است به نمادهایی در برابر جمهوری اسلامی تبدیل شوند؛ اما انتظار ندارد همه ورزشکاران فعال سیاسی باشند.

محمد حیرانی با به یاد آوردن خاطره‌ای از بازی‌های آسیایی دوحه در سال ۲۰۰۶ می‌گوید که پس از موفقیت دختران بدمینتون ایران، با زنی که گمان می‌کرد مربی تیم است در کنار زمین مصاحبه کرد. آن زن به جای ارزیابی فنی مسابقه، از حفظ حجاب بازیکنان تعریف می‌کرد.

بازیکنان بعداً به آقای حیرانی گفتند او مربی‌شان نبود، بلکه مسئول حراست بود و مأموریت داشت مراقب روسری‌ها باشد.

محمد حیرانی همچنین به کاروانی با بیش از ۵۰۰ نفر و بیش از ۲۰۰ همراه اشاره می‌کند که بخشی از آن‌ها ورزشکاران را کنترل می‌کردند. به گفته او، احسان حدادی نیز گفته بود پس از رسیدن ورزشکار به فرودگاه، با او جلسه می‌گذارد تا هشدار دهد تحت تأثیر فضای جدید قرار نگیرد و «جوگیر» نشود.

آقای حیرانی از تجربه خود در ورزشگاه آزادی نیز می‌گوید که با استناد به مقررات کنفدراسیون فوتبال آسیا، مانع اجرای سرودهای انقلابی و تواشیح برای حدود ۱۰ هزار تماشاگر شد؛ تصمیمی که برایش هزینه داشت.

برخلاف مرضیه نصیری که بر خطر مشروعیت‌بخشی تبلیغاتی تأکید می‌کند، محمد حیرانی میان حضور ورزشی و مشارکت آگاهانه در تبلیغات تمایز می‌گذارد؛ از نظر او، ورزشکاری که از این سازوکار آگاه نیست،

نباید با کسی که آگاهانه در تبلیغات حکومت مشارکت می‌کند، یکسان دآوری شود.

این مطلب بخشی از:

پاراگراف اول

فراتر از خبر

بایگانی

ایران

© ۲۰۲۶ تمام حقوق این وبسایت، بر اساس مقررات کپی‌رایت، برای رادیو فردا محفوظ است.